

نفت و فرهنگ

نفت و فرهنگ

شعر معاصر
موج <p>به دریا شگوه بردم از شب دشت وز این عمری که تلخ تلخ بگذشت به هر موجی که می‌گفتم غم خویش سرمی زد به سنگ و باز می‌گشت</p> فریدون مشیری
نسل نور <p>خود را چو ز نسل نور می‌نامیدند رفتند و به کوی دوست آمدند سیراب شدند ز آن که در اوج عطش آن حادثه را به شوق آشامیدند</p> قیصر امین پور
پایر جا <p>ما مرغ سحر خوان شگفت آواییم خونین پر و بالیم و شفق نسیماییم در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه صدبار شکسته‌ایم و پایر جاییم</p>
پیشکش <p>هموار دلم لبالب از یاد تو باد خورشید نسیم نام سحر زاد تو باد حاشا که به جز حرف تو حرفی بز نم این خنجره از زانی فریاد تو باد</p> حسن حسینی
کشور عشق <p>حالی است مرا که آب و تابش زیباست در محضر خلق، باز تابش زیباست در کشور عشق رنگ آبادی نیست کانجا همه چیز خود خویش زیباست</p> منصور اوجی
در ماتم محرم <p>دلم تنهاست ماتم دارم امشب دلی سرشار از غم دارم امشب غم آمد، غصه آمد، ماتم آمد خدا را این میان کم دارم امشب</p> سلمان هراتی
خانه خورشید <p>آغوش سحر تشنه دیدار شماست مہتاب خجل ز نور خسار شماست خورشید که در اوج فلک خانه اوست همسایه دیوار به دیوار شماست</p> علیرضاقره
گر به <p>در ماتم تو سحاب هم می‌گرید منظومه آفتاب هم می‌گرید ای تشنه تر بن سلاله کوثر عشق از داغ تو چشم آب هم می‌گرید</p>
مسافر <p>ای تیغ بگو که از کجا می‌ایی از سمت نگاه‌آشنای می‌ایی انگار که خون می‌چکد از دیده تو ای تیغ مگر ز کربلامی‌ایی</p> رحیم زریان

شعر همکاران

سرودیی قراری‌ها <p>کاش می‌شد شعر دریا را اسرود شعر عاشورای زیبارا اسرود کاش می‌شد عشق را پرواز داد جان‌نثاری‌های مولارا اسرود کاش می‌شد با زبان واژه‌ها کربلای لاله‌آسارا اسرود لاله‌های پرپر گلزار عشق یا شقایق‌های صحرا را اسرود کاش می‌شد در غریبستان غم غربت دل‌های تنهارا اسرود همنوایا شهسوار نینوا شعر هفتاد و دو شیدارا اسرود ای نگار جاودان، در یادها! با تو، باید از روزها را اسرود!</p> شعر ما را بال و پر باید، که نیست تا توان، پرواز عقارا اسرود ما کجاویی قراری‌های دل؟ کی توان، با گر به دریا اسرود؟ کی توان، «آز رده»، با چشم خراب آفتاب عالم را اسرود؟ غلامرضا شادمانی «آز رده»
باز هم کلاغ <p>همه‌همه گنجشکان در جشن باغ و درخت و تنها گذاشتن آن‌ها به وقت نرجوری برگ نوازش نسیم بر گل و برگ که تازه‌انته سوزن‌بر تن لخت درخت حضور سوگوار کلاغ در خنم باغ باز هم کلاغ</p> ستارسلطانیان شرکت پیرا حفاری ایران



در سوگ پیامبر اکرم(ص)

سرد است نگاه لحظه‌ها بی تو



قرآن همواره رهروان رسول خدا(ص) را آگاه ساخته بود که پیامبر هم در نیاز به خوراک و پوشاک و ازدواج و وقوع بیماری و پیروی مانند دیگر افراد بشر است و همانند آنان نیز از دنیا خواهد رفت. در سال یازدهم هجرت، رسول اکرم(ص) در آخرین سفر حج در غدیر خم، قبل و بعد از بیماری در جمع یاران یاد سخنرانی عمومی، با صراحت وبدون هیچ ابهام بارها از رحلت خود خبر داده بود. چنان که روایت است، پیامبر اسلام(ص) یک ماه قبل از رحلت فرمود: «فراق و بازگشت من به سوی خداوند نزدیک شده است. نزدیک است فراخوانده شوم و دعوت حق را اجابت کنم. من دو چیز گرانبها نزد شما می‌گذارم و می‌روم: «کتاب خدا» و «عترتم». خداوند لطیف و آگاه به من خبر داد که این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس خوب بیندیشید چگونه با آن دورفتار می‌کنید.» در چند روز آخر از زندگی رسول اکرم(ص) آن بزرگوار در مسجد پس از اقامه نماز جماعت صبح فرمود: «ای مردم! آتش فتنه‌ها شعله‌ور شده و فتنه‌ها همچون پاره‌های امواج تاریک شب روی

رفتار با مردم

پیامبراسلام(ص) در میدان جنگ بود، اعرابی به محضر او رسید، ر کاب شترش را گرفت و گفت: یا رسول‌الله، عملی را به من بیاموز که سبب رفتن به بهشت شود. حضرت فرمود: با مردم آن گونه رفتار کن که دوست داری با تو آن گونه رفتار کنن.

تعلیم و تعلم

روزی پیامبر(ص) در مدینه وارد مسجد شد، چشمش به دو اجتماع افتاد، یک دسته به عبادت و ذکر خدا و دسته‌ای به تعلیم و تعلم مشغول بودند. حضرت از دیدن هر دو دسته مسرور و خرسند شد، به همراهانش فرمود: این هر دو دسته کار نیک کرده و اهل سعادتند، اما من برای دانا کردن و دانا شدن مردم مبعوث شده‌ام. پس به طرف آنان که به تعلیم و تعلم

مشغول بودند، رفت و در حلقه آنان نشست.

دفاع از آبروی مومن

گویند: مردی در محضر رسول اکرم(ص) آبروی کسی را دستخوش بدگویی قرار داد و دیگری در مقام دفاع برآمد. رسول خدا(ص) فرمودند: هر کس از آبروی برادر دینی خود دفاع کند، خداوند میان او و آتش، حجاب و پرده‌ای خواهد افکند.

ریا، خود شرک است

شداد بن اوس گفت: بر رسول خدا(ص) وارد شدم و چهره مبارکش را آنقدر افسرده دیدم که مرا ناراحت ساخت. عرض کردم: چه پیش آمده است؟ فرمودند: بر اتمم از شرک می‌ترسم. عرض کردم: آیا پس از شما مشرک می‌شوند؟ فرمودند: آنان خورشید و ماه و پت و

سنگ نمی‌پرستند، ولی ریای می‌کنند و ریا خود شرک است.

رعایت حال مردم

از معاذبن جبل روایت شده است که گفت: رسول اکرم(ص) مرا به یمن فرستاد و به من فرمود: ای معاذ! هر گاه فصل زمستان فرا رسد، نماز صبح را در آغاز طلوع صبح به جای آور و قرائت را به اندازه طاقت و حوصله مردم طول بده تا آنان را خسته نکنی و در تابستان، نماز صبح را در روشنائی فجر، اقامه کن، چرا که شب، کوتاه است و مردم نیاز به استراحت بیشتر دارند.

کسب معاش حلال

انس بن مالک می‌گوید: پس از آن که رسول خدا(ص) از جنگ تبوک بازگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شناخت و به پیامبر(ص) دست داد و مصافحه کرد.

پیامبر اکرم(ص) به او فرمود: چه صدمه و آسیبی به دست تو رسیده که دستت زبر و خشن شده است؟ سعد گفت: «ای رسول خدا! با ابزاری چون بیل و طناب کار می‌کنم و درآمدی برای معاش زندگی خود و خانواده‌ام کسب می‌کنم. از این رو دستم چنبن شده است.» در آن حال پیامبر(ص) دست سعد را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش دوزخ به آن نخواهد رسید.

ذکر و دعا به دور از ریا

پیامبر اکرم(ص) دعا کردن به صدرا – که غالباً شیوه مردم مظاهر و ریاکار است – دوست نمی‌داشت، در یکی از سفرها، بارانش هر گاه که مشرف به دره می‌شدند، با صدای بلند تکبیر می‌گفتند. حضرت فرمود: آرام بگیرید، کسی که او را می‌خوانید نه گوشش کر است و نه جای دوری رفته است. او همه جا با شماست و شنوا و نزدیک است.

حیات در خشان امام حسن(ع) از بر خاد نه‌ترین برهه‌های تاریخ اسلام به شمار می‌رود. امام دوم شیعیان، با آن که بیش از ۴۸ سال عمر نکرده، ولی در همان دوران کوتاه، همواره با حق‌ستیزان در نبرد بود. امام حسن(ع) در دوران حیات پدر بزرگوارشان نیز دوشادوش آن حضرت با منافقان به ستیز برخاست و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان،

در روز بیست‌ویکم ماه رمضان سال چهل و شست بزرگی در دل معاویه و حاکمان شام پدید آورد چرا که توطئه ترور آن بزرگمرد به طرفداران اهل بیست عصمت و طهارت عزمی راسخ‌تر بخشید و آنان را در استمرار راه خویش مصمم‌تر ساخت.

انگیزه‌های صلح

توطئه‌های دستگاه بنی‌امیه سبب شد تا حکومت امام حسن مجتبی(ع) گرفتار مقابله با برخورد با آنان شود، از برنامه‌ریزی‌های درازمدت و جابه‌جایی نیروهای خسته و ناتوان و غیرعلاقه‌مند منصرف شود و نتواند شالوده محکمی را پی‌ریزی کند. از سوی دیگر، طولانی شدن معرکه صفین به مدت ۱۸ ماه و کشته شدن حدود ۷۰هزار نفر در لیل‌الپهیر و فقدان نیروهای ارزشمند و صحابه‌بزرگ پیامبر(ص) مانند عمار یاسر، هاشم‌مرقال، ثابت‌بن‌قیس، ثوالشاهدین و… که سابقه‌ای درخشان در تاریخ اسلام داشتند واز همه مهم‌تر شهادت امیرمؤمنان در قروپاوشی شیرازه حکومت تأثیری بسزا داشت.

مورخان گفته‌اند: ۳۶ تن از رزمندگان غزه بدر– که آخرین سنترگان تاینساک ایمان و عقیده از زمان پیامبر(ص) بودند– در نبردهای جمل، نهروان و صفین به شهادت رسیدند. امام حسن مجتبی(ع) فرمود: سوگند به خدا، من حکومت و خلافت را تسلیم معاویه نکردم، مگر بدان سبب که یارانی برای نبرد با او نیافتم. چنانچه همراهانی می‌داشتم، شب و روز با او جنگ می‌کردم و [آنقدر] به نبرد علیه او ادامه می‌دادم تا خداوند بین ما حکم کند.

قهرمانی بی‌بدیل بود. امام حسن مجتبی(ع) در طول حیات پرمحنت خویش همواره بر چمدار قاموس رنج‌ها بود. وی در سخت‌ترین و تلخ‌ترین رخدادهای بیرق نبی‌ی از منکر، مبارزه با ناهردمی‌ها و طاغوت را برافراشت و برای تثبیت حکومت حق، ایثارها و جانفشانی‌ها کرد. آنچه بیش از دیگر ویژگی‌های امام حسن مجتبی(ع)– در زمان حیات و پس

سیط اکبر رسول خدا(ص) چنان می‌دید که جنگ شروع شود، به شکست نظامیان عراق می‌انجامد و معاویه بدین بهانه همه دوستان اهل بیت(ع) را خواهد کشت. از این‌رو فرمود: من پروا داشتم ریشه مسلمانان از روی زمین کنده شود، پس خواستم نگاهبانی برای پاسداری و حفاظت از دین، باقی بماند و در جای دیگر فرمود: «حفظ ششیمه از نابودی و کشته شدن، مرا ناگزیر به مصالحه ساخت. پس مناسب دیدم جنگ را به روزی دیگر واگذارم. تکلیف انسان براساس اوامر الهی هر روز به گونه‌ای است و باید آن انجام دهد.»

صلح و شرط‌های اساسی آن

به نوشته مورخان در سال ۴۱ هجری قمری، [در یکی از ماه‌های ربیع‌الاول یا ربیع‌الثانی یا جمادی‌الاول]، معاویه به وسیله عبدالله‌بن عاصر و عبدالرحمان بن‌سمره نامه‌ای به عنوان قرارداد صلح، برای حسن بن علی(ع) فرستاد. این نامه کاملاً سفید بود و فقط در بالای آن یک خط نوشته شده بود: «این نامه را در خصوص قرارداد صلح فرستادم. من آن را امضا کرده‌ام هر شرطی را که شما می‌خواهید و صلاح می‌دانید در آن بنویسید. مورد قبول من است.» در پایان نامه، جهت اطمینان بیشتر سوگندهای بزرگی یاد کرد و به امضای همه بزرگان دربارش رساند.

بندهای قرارداد صلح

مساده اول: واگذار کردن حکومت به معاویه به شرط آن که بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و سیره و روش خلفای شایسته عمل کند.



ماده دوم: خلافت بعد از معاویه با آن حسن بن عقبی و چنان چه حادثه‌ای برای او پیش آمد او موفق نشند، حکومت از آن حسین(ع) است و معاویه حق ندارد، بعد از خود جانشین تعیین کند.
ماده سوم: دشنام دادن و نفرین به امیرمومنان(ع) در قنوت نماز ترک شود و کسی از آن حضرت جز به نیکی یاد نکند.
ماده چهارم: همه مردم از هر رنگ و نژادی که هستند و در هر کجا زندگی می‌کنند، باید از امنیت کامل برخوردار باشند و آنچه در گذشته انجام داده‌اند، مورد عفو قرار گیرد.
افراد به بهانه‌های واهی مورد تعقیب واقع نشوند و با مردم عراق رفتار خشونت‌آمیز صورت نگیرد.
ماده پنجم: یاران و شیعیان علی(ع) در هر جا که هستند، در امان باشند و به آن‌ها تعرضی نشود و جان و مال و ناموس و فرزند ایشان از

توضیحی درباره مفاد صلحنامه

بندهای قرارداد مصالحه که از سوی سبط اکبر پیامبر(ص) مطرح شده، دارای امتیازات بسیاری بود. امام(ع)، در این قرارداد، کوشید از چهره معاویه بردارد و تبلیغات دروغنی را که برای تثبیت موقعیت اجتماعی او انجام گرفته، خنثی کند.